پژوهشی در اصالت تاریخی

قرآن و اَوستا

مهدی رستمی

۱۳۹۷

فهرست مطالب

چکیده سخن ۳

گفتار نخست: اصالت و اعتبار سندی قرآن از دریچه عقل و تاریخ ۳

قرآن کتابی متواتر ۳

نسخه‌های خطی قرآن، اصالت تاریخی و اعتبار سندی ۵

وسواس عمـوم مسلمین درباره حفظ و نگهداری از قرآن ۹

ائمه شیعه و تأکید بر عدم تحریف قرآن ۱۰

روایات چهارده گانه‌ی قرآن! ۱۲

برگه‌هایِ قرآنِ یافت شده در صنعا ۱۷

گفتار دوم: تحریف اوستا به ویژه گاتهای اوستا ۱۸

قدمتِ اوستا (و ایضاً گاتهای اوستا) روشن نیست ۱۹

خاستگاه جغرافیایی اوستا روشن نیست ۲۰

تحریف اوستا ۲۱

گاتها چیست؟ ۲۲

تلاش برای تمایز گاتها ۲۳

نقدی بر کتابت گاتها؛ وقتی اهریمن سخنان اهورامزدا را نوشت! ۲۴

حذف بخش‌های بسیاری از گاتها درگذر تاریخ ۲۴

زیاده در گاتها ۲۶

اختلاف نسخه در گاتها ۲۷

گاتها ربطی به زرتشت ندارد ۲۸

نقدی بر سخنان موبد خورشیدیان درباره اعتبار گاتها ۳۰

چکیده سخن:

طبق ادله و شواهد عقلی و تاریخی، قرآن کتابی است که اصالت خود را در گذر زمان حفظ کرده است. این کتاب، از هنگام نزول تا کنون، تاریخی پر فراز و نشیب را طی کرده ولیکن از دستبرد راهزنان، تحریف و دگرگونی، مصون و محفوظ مانده است. اما اَوِستای زرتشتی (و به ویژه گاتها که بخشی از اوستاست) در طول تاریخ، شدیداً به فقر اصالت و آسیب‌های هولناک هویتی دچار شده؛ اعتبار و حجیت آن از پای‌بَست ویران است.

گفتار نخست:

اصالت و اعتبار سندی قرآن از دریچه عقل و تاریخ

در مواجهه با زرتشتیان و باستانگرایان، معمولاً این سؤال مطرح می‌شود که از کجا معلوم، قرآنی که امروز دست مسلمین است همان قرآنی باشد که در آغاز کار، محمد ﷺ و یارانِ او از آن استفاده می‌کردند؟ این پرسش، گاهی شکل هجمه نیز به خود می‌گیرد. لذا در این گفتار، دلایل و شواهدی مبنی بر عدم تحریف قرآن ارائه خواهد شد. این شواهد نشان می‌دهد که قرآن از صدر اسلام تا کنون، اصالتِ تاریخی و اعتبار سندی خود را محفوظ داشته است.

قرآن کتابی متواتر

توضیح اینکه قرآن کتابی متواتر است و از این حیث، در عالی‌ترین درجه اعتبار و اصالتِ سندی قرار داد. تواتر در لغت به معنی «پی‌درپی رسیدن» و در اصطلاح نیز به معنی خبر، حکایت، یا سخنی است که از طُرُق مختلف، گزارش شود، به گونه‌ای که به صحت آن اطمینان حاصل گردد. هر گزاره‌ای که این ویژگی را داشته باشد، مُتَواتِر نامیده می‌شود. برای مثال، شخصی هر روز صبح برای ورزش به پارک می‌رود. یک روز صبح می‌بیند که نهالی در فلان نقطه پارک کاشته شده است. در حالیکه تا دیروز این نهال در پاک وجود نداشت. او از یک خلافکار، که همیشه در پارک، مواد می‌فروشد می‌پرسد که این نهال را چه کسی کاشته؟

موادفروش هم پاسخ می‌دهد دیروز ساعت ۹ صبح، باغبان باغ که اسمش فرید است، این نهال را کاشت. این شخص (ورزشکار) برای کسب اطمینان بیشتر، از نگهبان پارک، سپس از پاکبانِ پارک، بعد، از مسئول گشت نیروی انتظامی، و بعد هم از ۱۳ دانش آموز که برای درس خواندن، صبح‌ها به پارک می‌آیند همین سؤال را می‌پرسد. همگی این‌ها همان پاسخی را می‌دهند که آن فرد موادفروش داده است. آن شخص از این‌ها می‌پرسد همه شما این صحنه را (که فرید باغبان این نهال را کاشته) با چشم خود دیدید؟ همه می‌گویند بله. پس از چند روز، عکسی از فرید باغبان در حال کاشت این نهال نیز منتشر می‌شود. این خبر، در اصطلاح یک خبر متواتر است. یعنی پی‌درپی، افرادی آن را گزارش کردند که امکان تبانی بین آنها وجود ندارد. این یک مثال بود. برای اینکه تواتر تاریخی و اصالت سندی قرآن روشن شود. توضیح اینکه: کتاب مقدس مسلمین، در همان قرن‌های نخست هجری، به سرزمین‌های مختلفی راه یافت. اسلام در مدتی اندک، به بخش عظیمی از آسیا، افریقا و بخش‌هایی از اروپا مسلط شد.

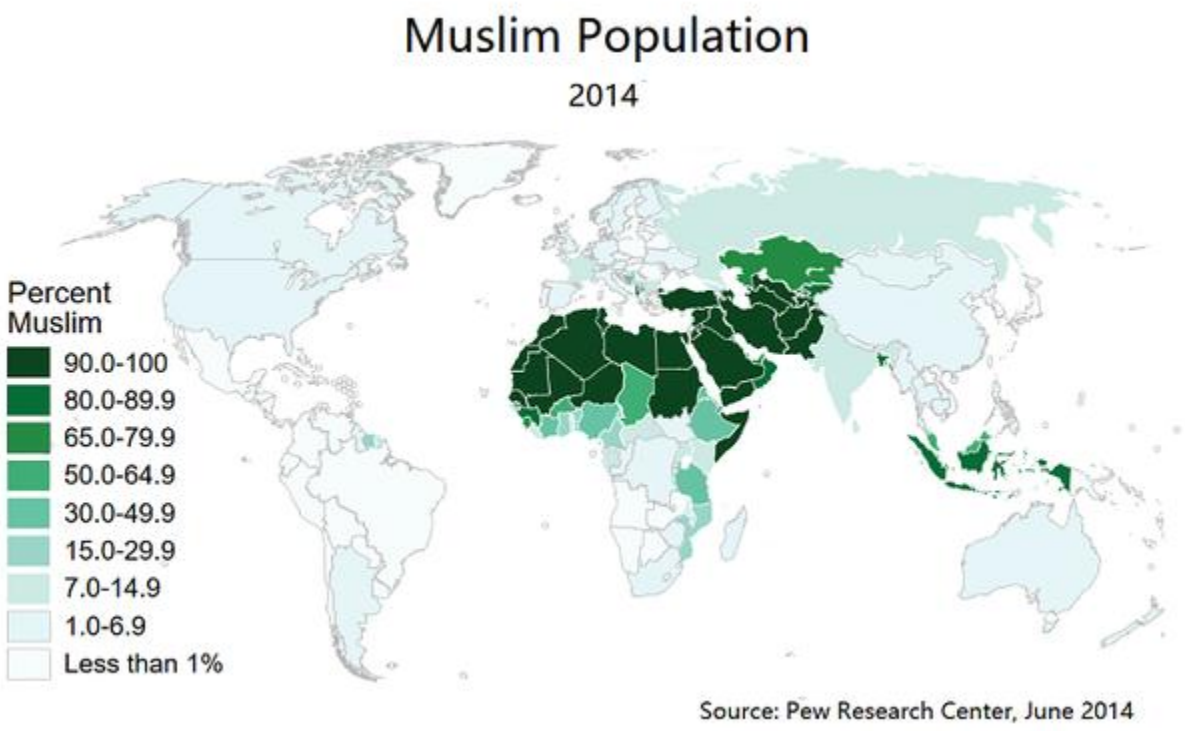

این سرزمین‌ها آنقدر وسیع و دور از یکدیگر بودند، که عملاً امکان نداشته (و ندارد) که همه افراد، بر سر تحریف و دگرگون کردن قرآن، با یکدیگر به یک صورت تبانی کنند.

هنگامی که نسخه‌های کهن قرآن، در موزه‌های چین و انـدلس (اسـپانیا) و مصـر و ایـران و ترکیه و عراق و پاکستان و هند و اندونزی با یکدیگر مقایسه شود، تفاوت (خاصـی) ندارنـد. حتی اگر نُسَخ بسیار قدیمی را با نسخه‌های جدیدتر مقایسه کنیم متوجه مطابقت آن‌هـا بـا یکدیگر می‌شویم.[1] این امر بدین خاطر است که بسیاری از مسلمین در طول تاریخ (از زمان پیامبر تا امروز)، همواره بخش‌هایی از قرآن یـا همـه آن را از حفـظ بودنـد. همچنـین قـرآن همواره کتابت می‌شد. در عصـر زندگانی محمد ﷺ عده‌ای به نـام «کاتـب وحـی» شـناخته می‌شدند همچون علی بن ابی‌طالب ﷺ و افرادی چون اُبَیّ بن کَعب، زید بن ثابـت، طلحـه بن عبیدالله، زبیر بن عوام، حذیفة بن الیمـان و... صد البته قرآن نیز خود را به عنوان کتـاب معرفی می‌کند[2] که همین نشان می‌دهـد قـرآن از ابتـدا بـه صـورت کتـاب، تـدوین و حفـظ می‌شد. همه این امور سبب شد که قرآن در گستره‌ی هزاران کیلومتر در اقصی نقـاطِ دنیـا و در گذر ۱۴۰۰ سال، دائماً نوشته و خوانده و از بَر شود. تـداوم و تکـرار ایـن امـر در وسـعت میلیون‌ها و میلیاردها نفر، سبب شد که قرآن در عالی‌ترین درجـه از تـواتر، اعتبـار سـندی و اصالت تاریخی قرار بگیرد.

نسخه‌های خطی قرآن، اصالت تاریخی و اعتبار سندی

در سال ۲۰۱۵ میلادی در دانشگاه بیرمنگام انگلیس، نسخه‌ای کهن از قرآن به نمایش درآمـد. اساتید این دانشگاه پس از انجام آزمایش‌های باستان‌شناسی روی این نسخه (کـه بـر پوسـت گوسفند یا بز نوشته شده) دریافتند که این نسخه از قـرآن، همـین قرآنـی اسـت کـه امـروزه مسلمین در دست دارند. پس از این موضوع اعلام کردند: «کشف این نسخه، از این دیـدگاه حمـایت می‌کند که متن قرآن در طول تاریخ، یا بسیار اندک دچار تغییر شده و یا اصلاً تغییر نکرده است»:

...The Koran read today, supporting the view that the text has undergone little or no alteration.

---

۱. اگر هم اختلافی بسیار جزئی بین دو نسخه باشد، این یا در اثر اشتباه نگارشی است یا در اثر تفاوت روایات (کـه توضیح خواهیم داد).

۲. بقره: ۱۵۱، آل عمران: ۳، آل عمران: ۷، زمر: ٤١، کهف: ۱ و...

BBC Sign in News Sport Weather iPlayer Sounds More Search

NEWS

Home UK World Business Politics Tech Science Health Family & Education Entertainment & Arts Stories More

Family & Education | School Report | Global Education

'Oldest' Koran fragments found in Birmingham University

By Sean Coughlan
Education correspondent

22 July 2015 Share

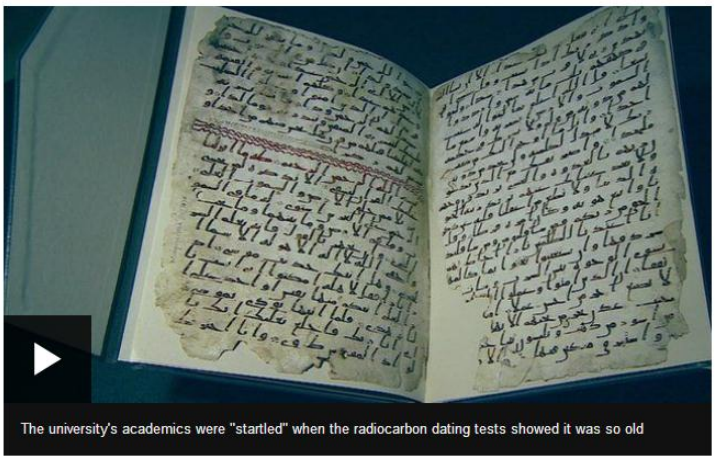

The university's academics were "startled" when the radiocarbon dating tests showed it was so old

What may be the world's oldest fragments of the Koran have been found by the University of Birmingham.

Global education

Top Stories

Facebook hires former deputy PM Nick Clegg
The former Liberal Democrat leader will head Facebook's global affairs and communications team.
7 minutes ago

Radical preacher Anjem Choudary released
1 hour ago

Depressed? The places not to live if you need help
2 hours ago

Features

I travelled 4,000 miles to find my dad

Support The Guardian Subscribe Find a job Sign in

The Guardian

News Opinion Sport Culture Lifestyle

World ▸ Europe US Americas Asia Australia Middle East Africa Inequality

Islam

'Oldest' Qur'an fragments found at Birmingham University

Radiocarbon analysis dates Islamic parchment to period between AD568 and AD645

همچنین اگر بخواهیم به نسخه‌های مختلف قرآن در موزه‌ها نیز نگاهی بیاندازیم، می‌بینیم که آن نسخه‌های کهن، باز هم تفاوتی با قرآنی که امروز در دست داریم ندارند. برای نمونه:

انتهای سوره مریم و ابتدای سوره طه در نسخه خطی قرآن مربوط به قرن اول هجری (نگهداری در انگلیس)

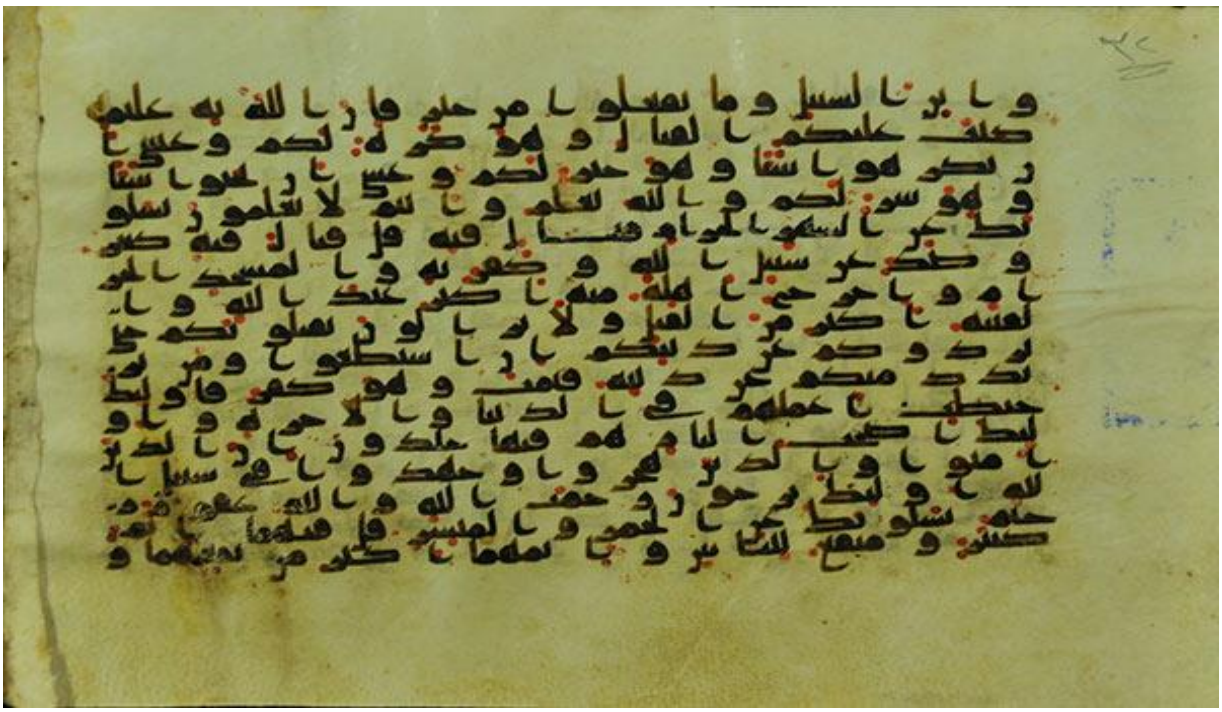

قرآن منتسب به حضرت علی (دستخط امیرالمومنین) آیات ۲۱۵-۲۱۷ بقره نگهداری در موزه نجف

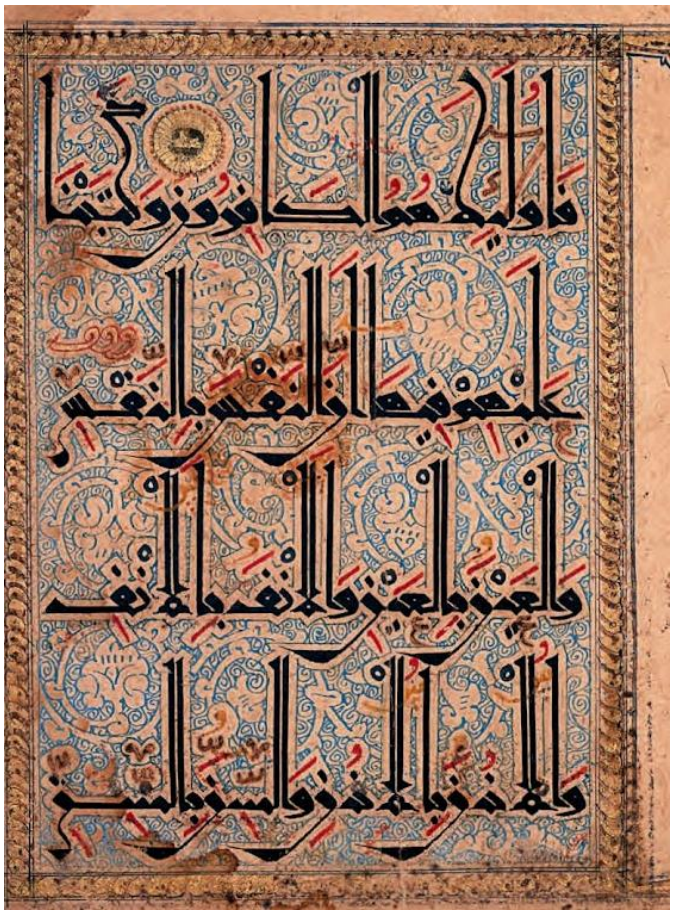

نسخه قرآن مربوط به قرن ۱۲ میلادی (حدوداً ۹۰۰ سال پیش)، نگهداری در مصر: آیه ٤٥ سوره مائده

مواردی از این دست، سبب شده که پژوهشگران نامداری چون فرانسیس ادوارد پیترز[۳] استاد دانشگاه نیویورک، بیان کند که تلاش‌ها برای بازسازی متن اولیه قرآن در مراکز آکادمیک غربی، چیزی که تفاوت برجسته‌ای با متن حال حاضر قرآن داشته باشد را به دست نداده‌است. لذا آنچه امروز در دستان ما است چیزی است که به تعبیر غربی‌ها، از زبان محمد ﷺ صادر شده است.[٤] مشابه این سخن را ویلیام مونتگمری وات[٥] و ریچارد بل[٦] دوخاورشناس بزرگ نیز بیان کردند که اگر هرگونه تغییری اعم از اضافه و حذف کردن، یا دگرگونی در متنِ قرآن اتفاق افتاده بود، تقریباً با قطعیت جدال در می‌گرفت، ولی رد و نشانی کمی از جدال مشاهده می‌کنیم. حتی درباره عثمان بن عفان (خلیفه سوم) خیلی از افراد مذهبیِ مسلمان، رفتارهای عثمان را زشت خوانده و او را سرزنش کردند (حتی او را به خاطر اقدامات اشتباهش، به قتل رساندند). اما اتهام تحریف قرآن در لیست اتهامات او قرار

3. Francis Edwards Peters
4. F. E. Peters, The Quest of the Historical Muhammad The Quest of the Historical Muhammad, International Journal of Middle East Studies, Vol. 23, No. 3 (Aug. , 1991), pp. 291-315
5. William Montgomery Watt
6. Richard Bell

نگرفته است. به گفته این دو خاورشناس، در مطالعات مدرن، هیچ دلیل جدی بر وقوع تحریفِ خاصی در قرآن ارائه نشده است.[۷]

وسواس عموم مسلمین درباره حفظ و نگهداری از قرآن

دلیل دیگر بر عدم تحریف قرآن، حساسیت بسیار زیاد مسلمین صدر اسلام روی قرآن بود. عمر بن الخطاب که خلیفه‌ای مقتدر و خشن بود، در برهه‌ای از زمان مدعی شد که بر پیامبر، آیه‌ای نازل شد که درباره سنگسار پیرمردهای زناکار! گفتنِ این سخن همانا و مخالفت و هجمه مسلمین به عمر بن الخطاب همان. به گونه‌ای که عمر از روی ترس، حرف خود را پس گرفت.[۸] که این خود نشانگر حساسیت افراط‌گونه (و بجای) مسلمین در امر قرآن بود که حتی در مقابل عُمَر ایستادند. گذشته از این، هنگامی که در جنگ صفین، لشکر معاویه قرآن‌ها را بر سر نیزه کردند، بسیاری از لشکریان امیرالمؤمنین علی ﷺ شمشیرهای خود را غلاف کردند که ما علیه قرآن نمی‌جنگیم! هرچه علی ﷺ فریاد زد که این حُقه جنگی است و معاویه اعتقادی به قرآن ندارد و فریب نخورید، باز هم آن جماعت کثیر، نپذیرفتند. بلکه مدعی شدند ما شمشیرهای خود را علیه قرآن حرکت نمی‌دهیم. یعنی تا این میزان و در حد وسواس، نسبت به ظاهر قرآن حساس بودند. این‌ها شواهدی است که نشان می‌دهد اگر قرآن تحریف می‌شد، مسلمین سکوت نمی‌کردند. بلکه با تمامِ وجود، تحریف‌گران را به خاک و خون می‌کشیدند. حتی در طول تاریخ میان مسلمانان مصر و شام، اختلافاتی بر سر برخی از کلمات و حروف قرآن رخ داد. یعنی آنقدر این حساسیت بالا بود که برای نمونه، برخی شامی‌ها به خاطر تلفظ نادرست یک کلمه قرآنی، برخی مصری‌ها را تکفیر می‌کردند. این درگیری‌ها آنقدر خطرناک شده بود که فرمانده فاتح ارمنستان به خلیفه (عثمان) خبر رساند که اگر این اختلافات را برطرف نکنی، بین مسلمین جنگ خواهد شد. هدف از این گفتار نیز بیان همین نکته است که مسلمین شدیداً روی ظاهر قرآن دقیق و بسی سرسخت و متعصب بودند که حتی کم و زیاد شدن یک حرف را تحمل نمی‌کردند.

---

7. William Montgomery Watt and Richard Bell, Bell's introduction to the Qur'an, Edinburgh University Press, 1977, p. 51

۸. جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۵، ص ۱۸۰.

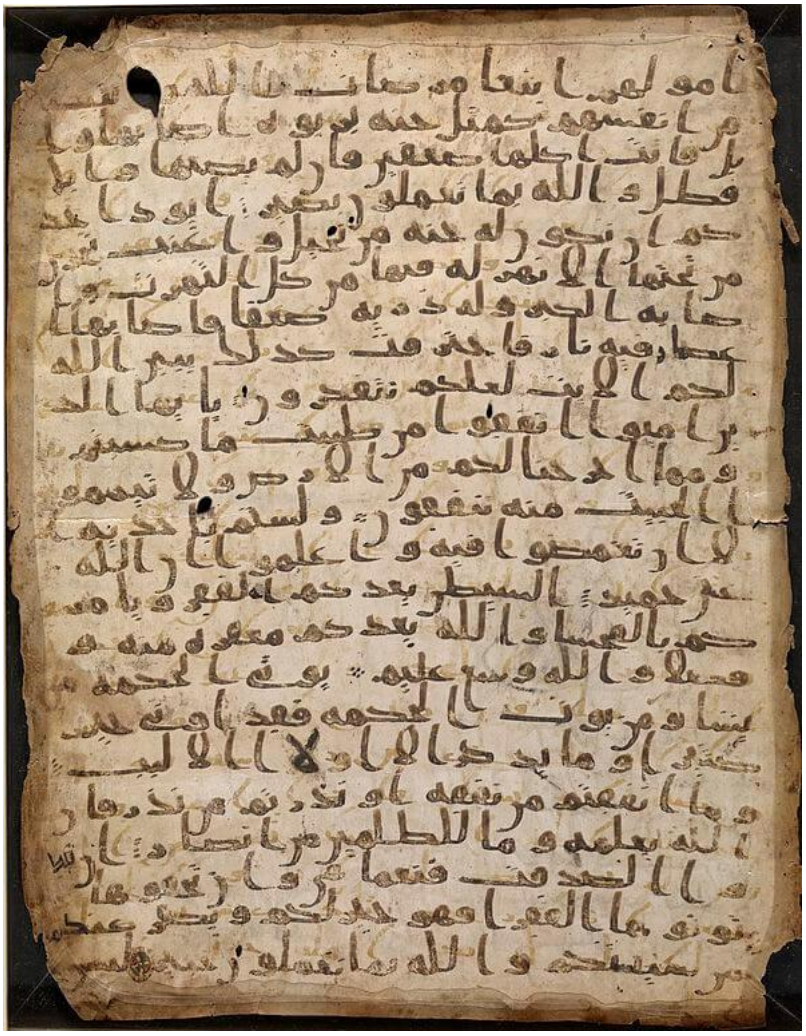

نسخه دست نویس قرآن مشهور به نسخه صنعا، بازمانده از قرن نخست هجری، آیات ۲۶۵ الی ۲۷۲ سوره بقره.

ائمه شیعه و تأکید بر عدم تحریف قرآن

در احادیث شیعه نیز موارد متعدد وجود دارد که ائمه، تصریح به عدمِ تحریف لفظی قرآن کرده اند. برای نمونه، امام محمد باقر ﷺ به سعد الخیر فرمودند: «ثُمَّ اعْرِفْ أَشْبَاهَهُمْ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِينَ أَقَامُوا حُرُوفَ الْكِتَابِ وَ حَرَّفُوا حُدُودَه...»[۹] یعنی از این امت کسانی هستند که جملات و عبارات ظاهری قرآن را محکم نگه می‌دارند ولی حقیقت و حد و حدود قرآن را تعطیل کردند (بدین معنا که امام محمد باقر ﷺ معتقد بودند که الفاظ قرآن سر جای خود قرار دارد، لیکن معانی و آن حقیقت قرآن مظلوم واقع شده است). از امام جعفر صادق ﷺ و ایضاً از امام علی بن موسی الرضا ﷺ نیز حدیث وارد شده که به پیروان خود امر فرمودند در نماز، پس از سوره حمد، یک سوره کامل از روی همین مُصحَف که در اختیار همه مسلمین است بخوانند. یک سوره‌ی کامل... همین خود نشان می‌دهد که در نظر ایشان، قرآنی که در دست داریم همان قرآن نبوی است که صحت نماز مسلمین بسته به قرائت درست آن است.

---

۹. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تهران: انتشارات دار الاسلامیة، ۱۳۶۵، ج ۸ ص ۵۳.

نسخه خطی قرآن، محل نگه داری در کتابخانه Chester Beatty ایرلند، مربوط به قرن ۳-٤ هجری

فقها و بزرگان اسلام شیعی نیز بر این عقیده بودند که قرآن از تحریف مصون مانده است. برای نمونه شریف مرتضی علم الهدی (سید مرتضی) از بزرگان شیعه در قرن ٤ هجری قرآن را کتابی عاری از تحریف و دگرگونی نامیده است و تصریح کرده قرآنی که بر پیامبر نازل شده، همین است که ما و مردم در دست داریم. نه کمتر و نه بیشتر.[۱۰] همچنین شیخ صدوق ﷺ عالم بزرگ قرن چهارم،[۱۱] شیخ طبرسی ﷺ عالم بزرگ قرن ٥-٦ هجری،[۱۲] شیخ مفید ﷺ عالم بزرگ شیعی در قرن پنجم هجری،[۱۳] شیخ طوسی ﷺ عالم بزرگ قرن پنجم،[۱٤]علامه مجلسی ﷺ عالم مجاهد نامدار عصر صفویه[۱۵] و نیز فیض کاشانی [۱٦] بر این سخن و مشابه آن تأکید کردند که قرآن هیچ گاه تحریف نشده است. ایضاً از علمای نامدار

---

۱۰. سید مرتضی، الذخیرة فی علم الکلام، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱٤۱۱ ه.ق، ص ۳٦۳

۱۱. شیخ صدوق، الاعتقادات، قم: نشر کنگره جهانی شیخ مفید، ۱٤۱٤ ه.ق، ص ۸٤.

۱۲. سید کمال حیدری، قرآن و مصونیت از تحریف، ترجمه جعفر آریانی، تهران، نشر مشعر، ۱۳۹۲، ص ۱۸-۱۹.

۱۳. شیخ مفید، اوائل المقالات فی المذهب و المختارات، قم: نشر کنگره جهانی شیخ مفید، ۱٤۱۳ ه.ق، ص ۸۲.

۱٤. شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۳.

۱۵. علامه مجلسی، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱٤۰۳ هجری قمری، ج ۸۹، ص ۷۵.

۱٦. ملا محسن فیض کاشانی، الأصفی فی تفسیرالقرآن، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۴۱۸ ق، ج۱، ص ۶۲۶.

عصر جدید، آیت الله بروجردی ﷺ،[17] آیت الله خوئی ﷺ،[18] و بزرگانی چون آیت الله خمینی ﷺ،[19] علامه طباطبایی ﷺ و سید حسین مدرسی طباطبایی بر این عقیده (که قرآن هرگز تحریف نشده) تصریح و تأکید فراوان کرده اند.[20] ناگفته نماند که در منابع شیعه و سنی، روایاتی وجود دارد که بعضاً از آن بوی تحریف قرآن به مشام می‌رسد، اما علما بر اساس اسناد و مدارک، این دست از روایات را ضعیف السند و یا ضعیف الدلالة می‌دانند. علامه حسن زاده آملی که خود کتابی درباره مصونیت قرآن از تحریف نوشتند،[21] در جایی دیگر نیز فرمودند که قرآن هیچ گاه تحریف نشده و حاضرند در این زمینه مباهله کنند.[22] چند پژوهشگر از علمای شیعه نیز به طور اختصاصی در این زمینه کتاب‌هایی نوشتند و هرگونه تهمتِ تحریف اعم از اضافه و نقصان را از ساحت قرآن رد کردند. از جمله آیت الله محمدهادی معرفت، آیت الله سید کمال حیدری، و ایضاً آیت الله العظمی سید علی حسینی میلانی.[23]

روایات چهارده گانه‌ی قرآن!

پیرامون قرآن، برخی می‌گویند که در تاریخ از ١٤ نسخه قرآن سخن گفته شده است. قرآن‌هایی که با یکدیگر تفاوتهایی داشته اند و این یعنی تحریف قرآن! در پاسخ می‌گوییم مسلمین همواره یک قرآن داشتند، حتی آنجا که حافظ می‌گوید: «قرآن زِبَر بخوانی، در چهارده روایت» نمی‌فرماید «قرآن‌ها زبَر بخوانی...» بلکه می گوید قرآن ز بَر بخوانی. یعنی قرآن، واحد است. اما روایاتش متفاوت است.

---

١٧. حسینعلی منتظری، نهایة الاصول تقریرات درس آیت‌الله بروجردی، قم: ١۴١۵ هجری قمری، ص ٤٨٢-٤٨٣.
١٨. آیت الله خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ص٢٠٠.
١٩. امام خمینی، انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة، قم، ١۴١۵ هجری قمری، ج ١ ص ٢٤٥-٢٤٧.
20. Modarressi, Hossein. “Early Debates on the Integrity of the Qur'ān: A Brief Survey”. Studia Islamica (Maisonneuve & Larose), no. 77 (1993): 5-39. Retrieved 07/03/2012.
٢١. حسن حسن‌زاده آملی، قرآن هرگز تحریف نشده، ترجمه عبد العلی محمدی شاهرودی، تهران: نشر قیام، ١٣٧٦.
٢٢. حسن حسن‌زاده آملی، هزار و یک نکته، ص ١٠٢.
٢٣. محمدهادی معرفت، صیانة القرآن من التحریف، قم ١۴١٣ قمری.
کمال حیدری، قرآن و مصونیت از تحریف، ترجمه جعفر آریانی و دیگران، تهران، نشر مشعر، ١٣٩٢.
علی حسینی میلانی، التحقیق فی نفی التحریف عن القرآن الشریف، قم، ١۴١٧ قمری.

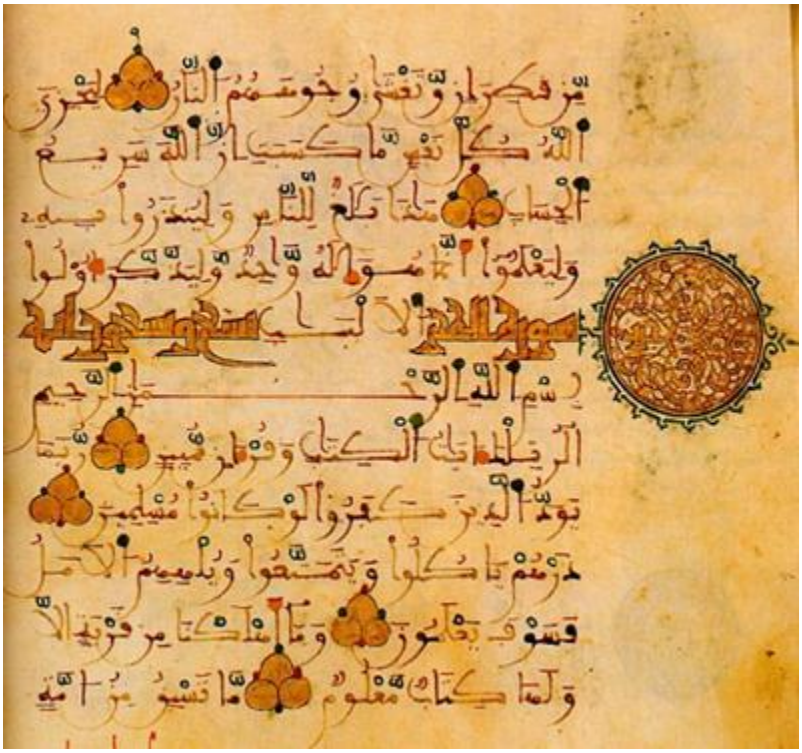

قـرآن خطـی نسـخه انـدلس (اسـپانیا) مربوط به قرن ٦ هجری که بـا قرآن‌هـای امروزی فرقی ندارد. اواخر سوره ابـراهیم و اوائل سوره حجر

اما برای بحث چهارده روایتِ قـرآن، مقدمـه‌ای لازم اسـت. توضیح اینکه مردم عرب، بـه گویش‌هـــا و لهجـــه‌های مختلفـی سـخن می‌گفتـه (و می‌گویند). همچنین قرآن به نقاط دورافتاده‌ای راه یافـت که سطح سواد مردم پایین بود و خواندن و نوشتن نیـز میانشـان کم‌رونـق بـود. ایـن دو امـر (تفاوت در لهجه‌های مردم عرب و عدم رواج خواندن و نوشتن) در کنارِ خـط دشـوار عربـی باستان (که نقطه و حرکات ـَـِـُ نداشت)[۲٤] سبب شد پـس از مـدتی، در برخـی نسـخه‌های قرآن (و قرائتِ آن‌ها) اختلافاتی میان مسلمین پیش آید، دخالت نابجای لهجـه‌ها در قرائـت قرآن و نیز غلط‌های املایی برخی کاتبان! به هر حال، عثمـان (خلیفه سوم) در زمان خلافت خود، برای اینکه مشکل بیشتر نشود، دستور داد همه نسخه‌ها را جمع کردند. او گروهـی از حافظان و کاتبان که اکثراً قرآن را مستقیماً از پیامبر یاد گرفته بودند را مامور کـرد تـا قرائـتِ صحیح و درستِ قرآن را رسمی اعلام کرده و مابقی قرائت‌ها را کنار بگذارند. این گـروه، زیـر نظر ۳ قرآن شناس قدرتمند آن دوران (یعنی علی بن ابیطالب، زید بن ثابت و اُبَی بن کَعب)، این کار را آغاز و به پایان رساندند. پس نسخه های غیررسمی و مشکوکِ قـرآن کنـار گذاشـته شده و همان قرآنِ اصیلِ درستی که پیامبر به مـردم تعلـیم داده بـود، بـاقی مانـد. علـی بـن

---

۲٤. نقطه‌دار شدن حروف عربی و نیز ایجـاد حرکـات ـَـِـُ بـرای کلـمات، توسـط جمعـی از شـاگردان و شـاگردانِ شاگردانِ حضـرت علی ﷺ صورت گرفت. افرادی چون ابوَالاسود دوئلی، یحیی بن یعمر، نصـر بن عاصـم، خلیـل بـن احمد فراهیدی و...

ابی‌طالب ﷺ که خود عضو ارشد تیم مدیریت این اقدام بود، پس از پایان کار، هرچند انتقادی نسبت به برخی غلط‌های املایی کاتبانِ کم‌سواد داشتند، اما فرمودند که آنچه عثمان کرد با مشورت من بود و اگر من خلیفه بودم، برای یکسان سازی نسخه‌های قرآن، همان گونه فرمان می‌دادم که اکنون عثمان دستور داده است.[۲۵] این اقدام به بهترین شکل صورت گرفت. نسخه اصلی و صحیح قرآن در مدینه نگه داشته شد و ۸ نسخه دیگر از روی آن نوشته شده و به شهرهای مهم اسلامی فرستاده شد. در مدتی اندک، هزاران نسخه از روی قرآن دست‌نویس شد. این اقدامات مهم، بسیار مفید واقع شد. اما لهجه‌های عربی که حذف نشد. کم‌سوادی برخی کاتبان نیز رفع نشد. به هر صورت، پس از مدت‌ها، دوباره اختلاف لهجه‌ها (و باز هم خط دشوارِ عربیِ قدیم) سبب شد که در کنارِ قرآن اصیلِ رسمی (که همه مسلمین قبول داشتند) چند روایت دیگر نیز به وجود بیاید. البته اختلاف این روایت ها با روایتِ اصلی قرآن چندان نبود. قرآن حدود ۷۷ هزار کلمه دارد که از میان، تنها یک هزار کلمه در روایت‌های مختلف، تفاوت دارد. یعنی اختلاف میان روایت‌های چهارده‌گانه کمتر از ۲ د رصد است. این اختلافات نیز غالباً آنقدر ناچیز هستند که توجه به آن‌ها خردمندانه نیست. مثلاً در نسخه رسمی ما می‌خوانیم: «صِراطَ الَّذینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِم...» ولی در برخی روایت‌ها به خاطر همان اختلاف در لهجه می‌خوانند: «عَلَیْهُم». روشن است که عَلَیْهِم و عَلَیْهُم فرقی با هم ندارند. معنایشان یکی است. فقط لهجه‌های عربی متفاوت است که باعث تفاوت در تلفظ می‌شود. یا برای نمونه، واژه «صِراطَ» در نسخه رسمی، همین صِراط است اما در برخی روایت‌های دیگر، به صورت «سِراط» نوشته شده است. معنایش فرق نمی‌کند. فقط املاء و تلفظش کمی متفاوت است و اصلاً اگر بگوییم سِراطَ (با سین) درست باشد، باز هم این به معنی تحریف قرآن نیست. چون هر دو نوع تلفظ در زبان عربی صحیح است. یا عبارت «تَسوَدُّ» را برخی «تِسوَدُّ» خواندند و یا کلمه «حَتّی» را برخی (از جمله عرب‌های هُذَیلی) به صورت «عَتّی» خوانده اند که این نیز همان بحث لهجه است و مواردی از این دست.

حتی در برخی روایاتِ چهارده گانه، به اشتباه، توضیح یا تفسیرِ یک آیه جزوِ آیه قلمداد شده است. مثلاً در قرآن می‌خوانیم که مریم ﷺ پس از تولد مسیح، نذر کرد که روزه بگیرد: «إِنِّي

۲۵. آیت الله محمدهادی معرفت، علوم قرآنی، قم: موسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵

نَذَرْتُ لِلرَّحْمنِ صَوْماً فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيّاً.[۲۶] من برای خداوند، خدای رحمان روزه‌ای نذر کرده‌ام، و امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت.» توجه شود: نَذَرْتُ لِلرَّحْمنِ صَوْماً. از پیامبر پرسیده شد که این روزه چه روزه‌ای بود؟ پیامبر پاسخ دادند: «صَوْماً صُمْتاً» یعنی روزه‌ی سکوت! اما برخی از قاریان قرآن در اثر فهم نادرست، گمان کردند که این واژه «صُمْتاً» جزوی از قرآن است. در حالیکه چنین نبوده، بلکه این عبارت، توضیح پیامبر بوده است. به هر روی، این تفاوت‌های اندک در روایات چهارده‌گانه سبب نشد که قرآن تحریف شود. چون اولاً این تفاوت ها بسیار ناچیز است. ثانیاً این تفاوت‌ها، تغییری در معانی قرآن ایجاد نکرده است. ثالثاً نسخه اصلیِ قرآن، امروز در دست ماست و اگر از این ۱۴ روایت، ۱۳ روایت را کنار بگذاریم، باز هم نسخه‌ی اصلی قرآن را همه مسلمانان در خانه‌های خود دارند. یعنی همان روایتِ حفص از عاصم!

توضیح اینکه نسخه‌ی اصلی قرآن، همان نسخه‌ای است که حفص بن سلیمان اسدی از عاصم بن ابی‌النَجود کوفی یاد گرفت و عاصم نیز قرائت قرآن را از ابی‌عبدالرحمن بن حبیب سُلّمی آموخت و ابی‌عبدالرحمن هم قرآن را از **علی بن ابی‌طالب** و علی ﷺ هم از رسول اعظم ﷺ آموخت و این روایت (مشهور به روایت حفص از عاصم) روایت اصلی و صحیح و معیار از قرآن است.[۲۷] این روایت، همان روایت متواتر قرآن است که در زمان عثمان، با نظارت علی ﷺ مصوّب شد و بعداً نیز توسط عموم مسلمین، حفظ و نگهداری شد. این قرآن همان قرآنی است که اصالت تاریخی و اعتبار سندی دارد. مابقی روایت‌ها (۱۳ روایت دیگر) هرچند در جای خود مهم و ارزش تحقیقاتی دارند، اما روایت اصلیِ قرآن شمرده نمی‌شوند. پس در جایی که نسخه اصلی و متواتر و اصیلِ قرآن در دست مسلمین است، تحریف قرآن معنا ندارد.

این گفتار (مصونیت قرآن/ تحریف نشدن آن) نه فقط مورد تأیید غالب علمای شیعه و سنّی است، بلکه در قرآن‌های چاپ نهادهای وهابی و تکفیری نیز تأیید شده است. برای نمونه اسکن این قرآن که در عربستان سعودی چاپ شده را ببینید که سند روایت اصیل قرآن را بیان می‌کند:

---

۲۶. مریم: ۲۶

۲۷. آیت الله محمدهادی معرفت، علوم قرآنی، قم: موسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۹، ص ۲۱۴-۲۱۵.

تعريف بهذا المصحف الشريف

كُتب هذا المصحفُ وضُبط على ما يوافق روايةَ حفص بن سليمان ابن المغيرة الأسَديّ الكُوفيّ لقراءة عاصم بن أبي النَّجود الكوفيّ التابعيّ عن أبي عبد الرحمن عبد الله بن حَبيب السُّلميّ عن عثمانَ بن عفَّان وعليّ بن أبي طالب وزيد بن ثابت وأبَيّ بن كَعْب عن النبيِّ ﷺ.

وأُخِذَ هجاؤه مما رواه علماء الرسم عن المصاحف التي بعث بها الخليفة الراشد عثمان بن عفَّان رضي الله عنه إلى البصرة والكوفة والشام ومكة، والمصحف الذي جعله لأهل المدينة، والمصحف الذي اختص به نفسه، وعن المصاحف المنتسخة منها. وقد روعي في ذلك ما نقله الشيخان أبو عمرو الداني وأبو داود سليمان بن نجاح مع ترجيح الثاني عند الاختلاف.

هذا وكل حرف من حروف هذا المصحف موافق لنظيره في المصاحف العثمانية الستة السابق ذكرها.

وأُخِذَت طريقةُ ضبطه مما قرره علماء الضبط على حسب ما ورد في كتاب «الطراز على ضبط الخراز» للإمام التَّنَسيِّ مع الأخذ بعلامات الخليل بن أحمد وأتباعه من المشارقة، بدلاً من علامات الأندلسيّين والمغاربة.

واتُّبِعتْ في عد آياته طريقة الكوفيين عن أبي عبد الرحمن عبد الله بن حبيب السُّلمِيِّ عن علي بن أبي طالب رضي الله عنه على حسب ما ورد في كتاب

به هر حال، تفاوت در رسم الخطها و اختلاف در شیوه نگارش کلمات در زبان عربی (که مهم‌ترین منشأ بروز روایات ۱۴ گانه است) ابداً به معنی تحریف قرآن نیست. همانطور که از دید ریاضیات، میتوان گزاره «چهار سوم» را به صورت‌های مختلف نوشت و در عین حال همگی یک معنای واحد دارند:

$$\frac{4}{3} = 1.\overline{3} = 1 + \frac{1}{3}$$

برگه‌هایِ قرآنِ یافت شده در صنعا

مدت‌ها پیش عده‌ای مدعی شدند که در صنعا (پایتخت یمن) نسخه‌هایی از قرآن یافت شده که تفاوت‌های جدی با قرآن‌های امروزی دارد! عجیب‌تر اینکه برخی مدعی شدند که قدمت این قرآن‌های یافت شده در صنعا، به قبل از اسلام برمی‌گردد! آدمیزاد نمی‌داند در مقابل این ادعاهای محیرالعقول بخندد یا گریه کند! قرآنی مربوط به قبل از اسلام!!! این دیگر چه جور شایعه پراکنی است، خدا می‌داند! به هر روی، با نادیده گرفتن این ادعاهای مضحک، لازم است پیرامون اصل قضیه توضیحی ارائه شود.

در سال ۱۹۷۲-۱۹۷۳ هنگام بازسازی مسجد جامع صنعا، تعداد زیادی پوست حیوان یافت شد که مطالبی روی آن نوشته شده بود. برخی از این برگه‌ها، حاوی آیات قرآن و برخی دیگر حاوی مکتوباتی غیرِقرآنی بودند.[۲۸] از مکتوبات قرآنی، برخی دقیقاً مطابق با قرآن‌های امروزی هستند. اما ادعا شده که برخی دیگر، تفاوت هایی با قرآنِ معیار دارند. جالب اینکه این نسخه‌های متفاوت با قرآنِ امروز، بسیار کم‌رنگ بودند که نشان می‌دهد نوشته‌های روی پوست، پاک شدند ولی اثر آن نوشته‌ها هنوز روی پوست‌ها باقی مانده بود. دانشمندان بر این عقیده هستند که این نسخه‌های متفاوت با قرآن معیار، همان روایت‌های دیگرِ قرآن هستند که در زمان عثمان، نامعتبر شناخته شدند[۲۹] (به همان دلایلی که پیشتر توضیح دادیم) و از آنجایی که با قرآن اصلی فرق‌هایی داشتند، مورد توجه قرار نگرفته و از

---

28. Hillenbrand, Carole. The New Cambridge Medieval History. vol. 1. 330.

29. Sadeghi, Behnam and Mohsen Goudarzi. “Ṣan‘ā’ 1 and the Origins of the Qur’ān”. Der Islam 1–2, no. 87 (March 2012): 1–129. doi:10.1515, islam-2011-0025. Retrieved 2012-03-26.
Sadeghi, Behnam and Uwe Bergmann. “The Codex of a Companion of the Prophet and the Qurān of the Prophet”. Arabica (Brill Online) 57, no. 4

روی پوست، پاک شدند (اما اثرِ آن هنوز به صورت کمرنگ باقی مانده است). در هر صورت، همینکه این نسخه‌ها به دلیل تفاوت با نسخه‌ی اصلی، به رسمیت شناخته نشده و از روی پوست‌ها، پاک شدند، خود نشانگر عدم تحریف قرآن است.

گفتار دوم:

تحریف اوستا به ویژه گاتهای اوستا

نگارنده این نوشتار (مهدی رستمی) پیشتر کتابی به نگارش درآوردم با عنوان «نگاهی نو به دیرینگی اوستا» که در آن به تفصیل پیرامون تحریف اوستا و علی‌الخصوص، تحریف گاتهای اوستا و عدم اصالت تاریخی و فقدانِ حجیتِ این کتاب سخن گفته و اسناد متعدد ارائه کردم. در این گفتار، چکیده‌ای از مباحث کتاب بیان خواهد شد.

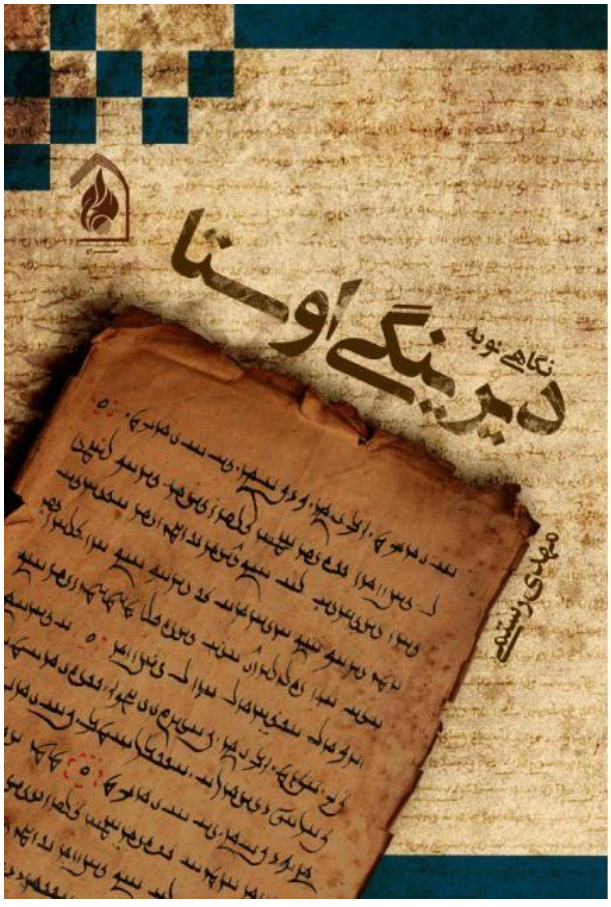

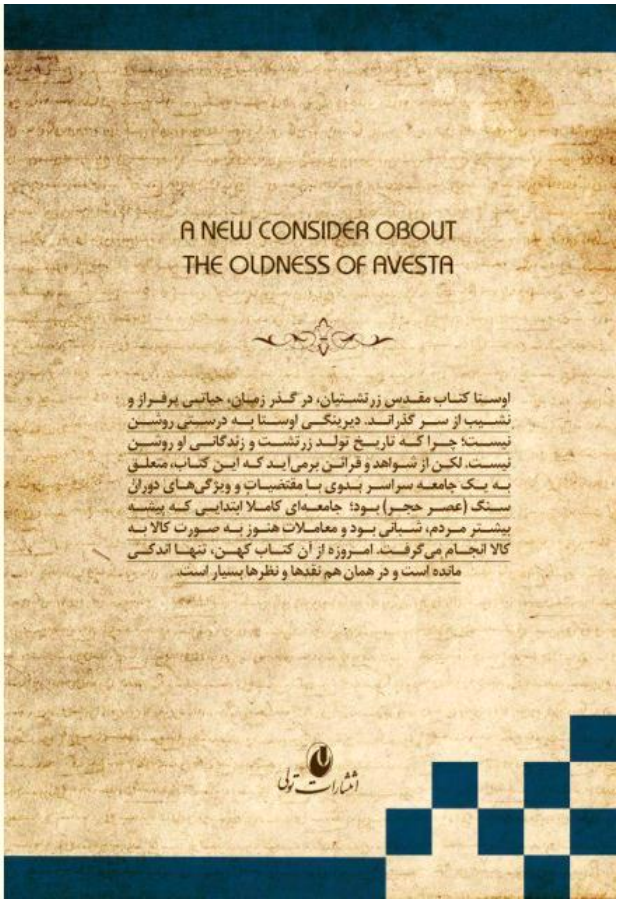

قدمتِ اوستا (و ایضاً گاتهای اوستا) روشن نیست

قدمت اوستا به درستی روشن نیست؛ چرا که تاریخ تولد زرتشت و بسیاری از تحولات زندگی او روشن نیست. در مورد قدمت زرتشت و به تبع آن قدمت گاتهای اوستا، بین ۶۰۰ سال پیش از میلاد تا ۹۰۰۰ سال پیش از میلاد گفته شده است.[۳۰] یعنی ۸۴۰۰ سال اختلاف نظر! دیدگاه‌ها در این زمینه بسیار متناقض هستند. ده‌ها نظر تاکنون مطرح شده است که هیچ از یک از آن‌ها، دلیل روشنی ندارند.[۳۱] ابراهیم پورداود (پدر اوستاشناسی ایران) درباره زمان زندگی زرتشت می‌نویسد که در این زمینه روایات به اندازه‌ای مختلف است که ابداً صلح و سازشی میان آن‌ها نمی‌توان داد.[۳۲] او می‌گوید که هیچ یک از دیدگاه‌ها درباره زمان زندگی زرتشت، دلیلی قانع کننده ندارد. ناگزیر زمان آفرینش اوستا نیز نامعلوم است.[۳۳]

موبد اردشیر آذرگشسب نیز می‌نویسد: «تعیین تاریخ صحیح پیدایش زرتشت، به مناسبت قدمت تاریخی او فعلاً برای ما مقدور نیست.»[۳۴] دکتر آبتین ساسان‌فر به روشنی گفته که زمان زندگی زرتشت را ۶۰۰ تا ۹۰۰۰ سال پیش از میلاد روایت کرده‌اند.[۳۵] پروفسور ژان کلنز (Jean Kellens) از برترین اوستا شناسان جهان در حال حاضر و استاد اسبق دانشگاه ماینس آلمان و عضو کنونی هیئت‌علمی دانشگاه کلژدوفرانس[۳۶] هم تصریح کرده که یافتن قدمت اوستا و تاریخ‌گذاری آن ممکن نیست.[۳۷]

---

۳۰ . ژاله آموزگار، احمد تفضّلی، اسطوره زندگی زردشت، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۶، ص ۱۵-۲۲.

۳۱. جهانگیر اوشیدری، دانشنامه مزدیسنا، تهران: نش مرکز، ۱۳۸۹، ص ۳۵.

۳۲. ابراهیم پورداود، گاتها کهن‌ترین بخش اوستا، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۸، ص ٤٦.

۳۳. ابراهیم پورداود، همان، ص ٤١-٥٨-٦٤.

۳٤. اردشیر آذرگشسب، ، خرده اوستا، تهران، ۱۳٥٤، ص ٤٠.

۳٥. آبتین ساسانفر، گاتها سروده‌های آسمانی زرتشت، تهران، نشر بهجت، ۱۳۹۰، ص ۱۷.

36 .Collège de France.

۳۷. ژان کلنز، اوستا، ترجمه عسکر بهرامی، نشریه معارف، شماره آبان ۱۳۸۱، دوره نوزدهم، ش ۲، ۱۳۸۱، ص ۱٦۰.

خاستگاه جغرافیایی اوستا روشن نیست

باید دانست که خاستگاه جغرافیایی اوستا نیز به روشنی مشخص نیست. چرا که زادگاه زرتشت مبهم است. برخی مکان تولد زرتشت را آذربایجان،[۳۸] برخی ری[۳۹] و بعضی نیز بلخ[۴۰] و خوارزم دانسته اند. حتی تنی چند از مورخین قدیمیِ شرقی، فلسطین را موطن اصلی زرتشت و محل تولد او معرفی کرده‌اند و گفته اند که زرتشت از فلسطین به سوی فلات ایران گریخت.[۴۱] بر اساس دیدگاه بسیاری از اوستاشناسان نوین، موطن اصلی زرتشت، ناحیه‌ای در جنوب روسیه امروزی بود؛[۴۲] مری بویس ناحیه‌ای در قزاقستان را به عنوان زادگاه اصلی زرتشت معرفی کرده است.[۴۳] خلاصه اینکه در مجموع نمی‌توان صلح و سازشی بین دیدگاه‌های مختلف ایجاد کرد. زادگاه زرتشت هم مانند زمان زندگی او در هاله‌ای از ابهام است![۴۴] پروفسور ژان کلنز نیز بر این امر تصریح کرده است: «نه می‌توان متون اوستایی را به درستی تاریخ‌گذاری کرد و نه می‌شود به مکان‌یابی جغرافیایی زبان آن‌ها دست زد.»[۴۵] لذا خاستگاه جغرافیایی اوستای کهن نیز نامشخص است.

---

۳۸. سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ترجمه: سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، نشر افسون، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۳۵ و ابراهیم پورداود، گاتها کهن‌ترین بخش اوستا، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۸، ص ۴۳-۴۵.

۳۹. ابراهیم پورداود، همان، ص ۴۳-۴۵.

۴۰. والتر هینتس، داریوش و ایرانیان، ترجمه پرویز رجبی، تهران: نشر ماهی، ۱۳۹۲، ص ٦٧ ، ابراهیم پورداود، همان، ص ۴۳-۴۵.

۴۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، نشر اساطیر، ج ۲، ص ٤٥٦ ، ابن اثیر جزری، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، تهران، مؤسسه مطبوعات علمی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۰۵

۴۲ . ژاله آموزگار، احمد تفضّلی، اسطوره زندگی زردشت، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸٦، ص ۲۲-۲۴.

۴۳. مری بویس، زرتشتیان باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسکر بهرامی، ۱۳۹۱، ص ۱۷.

۴۴. ابراهیم پورداود، گاتها کهن‌ترین بخش اوستا، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۸، ص ٤٦ و حسن پیرنیا، تاریخ ایران باستان، تهران: نشر دنیای کتاب، ۱۳۷۵، ج ٤، ص ۲۸۸۳.

۴۵. ژان کلنز، اوستا، ترجمه عسکر بهرامی، نشریه معارف، شماره آبان ۱۳۸۱، دوره نوزدهم، ش ۲، ۱۳۸۱، ص ۱٦۰ و ژان کلنز، مقالاتی درباره زرتشت و دین زرتشتی، ترجمه احمدرضا قائم‌مقامی، تهران، نشر فروزان، ۱۳۸٦، ص ۴۹.

تحریف اوستا

طبق دیدگاه پژوهشگران، اَوستا متعلق به یک جامعه سراسر بَدَوی با مقتضیات و ویژگی‌های دوران سنگ (عصر حجر) بود؛[٤٦] جامعه‌ای کاملاً ابتدایی... در سنت زرتشتی (روایات مذهبی و تاریخی زرتشتیان که توسط موبدان بزرگ زرتشتی نوشته شده است) کل اوستا به زرتشت منتسب است؛ بدین‌صورت که در سال سی‌ام پادشاهی گشتاسپ، زرتشت ۲۱ نَسكِ اوستا را که بر ۱۲ هزار پوست گاو نوشته شده بود به گشتاسپ عرضه کرد.[٤٧] سنت زرتشتی می‌گوید اوستا پس از حمله اسکندر، پراکنده شد و بعدها در دوره اشکانیان و ساسانیان، بخش‌هایی از تکه‌پاره‌های اوستا گردآوری شد. از میان آن‌ها برخی کنار گذاشته شده و برخی تحت عنوان «اوستا» تصویب شد. اوستایی که در آن دوره جمع آوری شد، در حدود ۳٤٥۷۰۰ کلمه داشت؛ در ۲۱ نَسک (بخش) که امروزه تنها ۸۳۰۰۰ کلمه ازآن مانده است. یعنی اوستای امروزی یک چهارم اوستای روزگار ساسانی است.[٤٨] اما چه شد که ۳ چهارمِ متن اوستا از بین رفت؟! امروزه بسیاری از زرتشتیان و نوزرتشتیان مدعی هستند که عرب‌های مسلمان، اوستا را آتش زدند و آن را نابود کردند. اما حقیقت ماجرا چیز دیگری است. اولاً هیچ سند صحیحی وجود ندارد که مسلمانان، اوستا را آتش زده باشند.[٤٩] ثانیاً اوستای زمان ساسانی تا حدود ۳۰۰ سال پس از ورود اسلام به ایران، همچنان موجود بود (که کتاب دینکرت از روی آن نوشته شد). پس نابودی و تحریف آن نمی‌تواند به دست مسلمانانِ فاتح ایران رخ داده باشد. ثالثاً موبد اردشیر خورشیدیان (رئیس انجمن موبدان تهران) نیز گفته اند که تحریف و حذف بخشِ اعظم اوستا، کار مسلمانان نبوده است.[٥٠]

---

٤٦. مری بویس، زرتشتیان باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسکر بهرامی، ۱۳۹۱، ص ۱۷ و ژاله آموزگار، احمد تفضّلی، اسطوره زندگی زردشت، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸٦، ص ۲۱.

٤۷. جهانگیر اوشیدری، دانشنامه مزدیسنا، تهران: نش مرکز، ۱۳۸۹، ص ۳٦؛ ژان کلنز، اوستا، ترجمه عسکر بهرامی، نشریه معارف، شماره آبان ۱۳۸۱، دوره نوزدهم، ش ۲، ۱۳۸۱، ص ۱۵۹ و رستم شهزادی، رستم، زرتشت و آموزش‌های او، تهران، سازمان انتشارات فروهر، ۱۳۷۱، ص.٦۰ و ژاله آموزگار، احمد تفضّلی، اسطوره زندگی زردشت، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸٦، ص ۱٤۷.

٤۸. ابراهیم پورداود، گاتها کهن‌ترین بخش اوستا، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۸، ص ۷۰ و ٤۰٦.

٤۹. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳٦۲، ص ۳۰۸-۳۵۵.

۵۰. اردشیر خورشیدیان، پاسخ به پرسش‌های دینی زرتشتیان، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشارات فروهر، ۱۳۸۷ ص ۷٦.

امروز ایران‌شناسان بزرگ دنیا، بر این عقیده‌اند که موبدان زرتشتی خودشان بخش زیادی از اوستا را نابود کردند، چون تعالیم آن قابل دفاع نبود. یعنی محتوایی که در اوستا وجود داشت، غالباً خردمندانه نبود. به همین خاطر، موبدان زرتشتی آن بخش‌ها را حذف کردند تا در مناظرات و جدل‌های مذهبی، کمتر متحمل شکست شوند.[۵۱]

عصاره کلام این که اوستا، هیچ قدمت تاریخی معیّنی ندارد. خاستگاه جغرافیایی روشنی هم ندارد. تاریخ تدوین و گردآوری آن هم مشخص نیست. معلوم نیست کسانی که آن را مدوّن کردند، انسان‌های قابل اعتمادی بودند یا خیر. همان اوستایی که جمع آوری شد هم پس از مدتی پراکنده و تا مرز نابودی پیش رفت. بعداً که دوباره جمع آوری شد، چه بسا بخش‌هایی به آن افزوده و بخش‌هایی نیز از آن کم شد. در اوائل عصر اسلامی هم که حدود ۷۵ درصد اوستا از بین رفت (و معلوم نیست چه چیزهایی قبل از آن و بعد از آن به آن افزوده شد). از دوران باستان هم معلوم نیست کدام بخش‌هایش اصیل و کدام قسمت‌هایش بی‌پایه بوده است. اوستا به طور کلی، کتابی است که از هر لحاظ، اصالت تاریخی و اعتبار سندی‌اش زیر سؤال است.

گاتها چیست؟

اوستای امروزی پنج بخش دارد: یَسنا، یشت‌ها، ویسپرد، وندیداد و خرده‌اوستا. و اما گاتها بخشی از یسنا است. در حقیقت، گاتها، بخشی از یسنا و یسنا هم بخشی از اوستا است. درباره این کتاب (گاتها) باید گفت که اولاً بسیار کم‌حجم است (در حدود ۲۰-۳۰ صفحه) و ثانیاً ترجمه‌هایی که از این کتاب ارائه شده بسیار متفاوت است. مثلاً اگر ترجمه علمی ژان کلنز را با ترجمه موبد رستم شهزادی مقایسه کنیم دقیقاً احساس میکنیم که این‌ها مربوط به دو کتاب کاملاً متفاوت هستند! ثالثاً گاتها کتابی است که در آن آمده هدف از کردار نیک، رسیدن به روان گاو (گئوش اوروَن) است. یعنی انسان زرتشتی باید کردار نیک را در خود پرورش دهد تا روانش به روانِ گاو ملحق شده و این چنین به کمال برسد. رابعاً این

---

۵۱. آرتور کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۸، ص ۲۰۸-۲۰۹-۵۷۱، یان ریپکا، تاریخ ادبیات ایران از دوران باستان تا قاجاریه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۳۵-۳۶.

کتاب، از نگاه تاریخی، بسیار تحریف شده و انتساب آن به زرتشت هم مردود است. اما پیرامون تحریف این کتاب و انتساب آن به زرتشت باید توضیحاتی مطرح کرد.

تلاش برای تمایز گاتها

تعالیم اوستا در طول تاریخ، به ویژه تا قرن ۱۸-۱۹ میلادی فقط در اختیار موبدان زرتشتی بود. چون زبان اوستا در گذر زمان از بین رفته بود، لذا زرتشتیان چیزی از اوستا نمی‌فهمیدند. در قرن ۱۸ میلادی نخستین ترجمه اوستا توسط برخی از دنشمندان غربی ارائه شد. این ترجمه، سبب شد که عامه زرتشتیان (به ویژه زرتشتیانِ ایرانی‌الاصلِ ساکن هندوستان) متوجه شوند که در کتاب مقدس‌شان چه آموزه‌هایی وجود دارد و همین امر سبب شرم‌ساری و پیدایش حس خفت و خواری در میان آنان شد. چه اینکه تا آن زمان گمان می‌کردند اوستا، کلامی مقدس است. اما وقتی به مفاهیم و محتوای آن آگاه شدند، دیدگاهشان عوض شد. نسل جوان و تحصیل‌کرده‌ی زرتشتی، دیگر به اوستا افتخار نمی‌کردند. در همان زمان، در اثنای کش‌وقوس‌های میان قشر سنتی و متجدّد زرتشتیان، یک زبان‌شناس جوان آلمانی به نام مارتین هاگ اعلام کرد که زبانِ گاتها کهن‌تر از زبان سایر بخش‌های اوستا است و لذا فقط گاتها می‌تواند کلام خود زرتشت باشد. بیشتر سنت‌گرایان با چنین نظری مخالفت کردند، ولی تجددگرایان از شنیدن چنین سخنی به وجد آمدند! این دقیقاً همان چیزی بود که آنان منتظرش بودند. چه اینکه گاتها، در نگاه اول، متنی است که به کلی‌گویی و بیان تعالیم (ظاهراً) ساده می‌پردازد و لذا به راحتی می‌توان آن را به وسیله تفسیر و تأویل، به هر سمت و سویی سوق داد. پرداختنِ گاتها به کلیات، می‌توانست به زرتشتیان کمک کند تا دین خود را با جامعه بشری قرن ۱۹ همراه و همگام نشان دهند. امروزه نیز موبدان زرتشتی مدعی‌اند که از کل اوستا، تنها گاتها مربوط به زرتشت است. تا آن زمان، زرتشتیان فرقی بین گاتها و دیگر بخش‌های اوستا قائل نبودند، اما در اثر تلاش‌های یک آلمانی، باور چندهزار ساله زرتشتیان درباره دین خودشان، تغییر کرد![۵۲]

۵۲. مهدی رستمی، نگاهی نو به دیرینگی اوستا، قم: انتشارات تولّی، ۱۳۹۶، ص ۶۰-۶۳.

نقدی بر کتابت گاتها؛ وقتی اهریمن سخنان اهورامزدا را نوشت!

نویسندگان و مکتوب کنندگانِ گاتها، همان کسانی بودند که موبد کوروش نیکنام برای توجیه یک مسئله جزئی، آنان را خائن و دشمن زرتشت نامید! این موبد زرتشتی در مقاله «جایگاه وندیداد در فرهنگ و ادبیات اوستا» وقتی از توجیه تعالیم وندیدادِ اوستا ناتوان گردید، مدعی شد که نویسندگان وندیداد همان مغان مادی بودند که در حقیقت دشمنان زرتشت بودند. آنان در زمان زرتشت به خاطر رسیدن به منافع، خود را شبیه به یاران زرتشت درآوردند و با رویکردی خائنانه توانستند افکار گذشته خود را در دین زرتشتی وارد نمایند.[۵۳] در نتیجهٔ سخن موبد کورش نیکنام، نویسندگان اوستا جزو مغان مادی و یا تحت تأثیرِ دشمنان زرتشت بودند و جالب‌تر اینجاست که مکتوب کردنِ گاتها در عصر ساسانیان به دست همین‌افراد رخ داده است.

حذف بخش‌های بسیاری از گاتها درگذر تاریخ

اکثر سروده‌های گاتها درگذر تاریخ از بین رفته و هیچ اثری از آن باقی نمانده است. دلایلی در اثبات این مدعا وجود دارد که اشاره می‌شود.

- استاد ابراهیم پورداود پدر اوستاشناسی ایران می‌نویسد: «گاتها روزی جزو یک کتاب بسیار بزرگی بود. گاتهای اوستا را نیز باید در قدیم جزو مطالب منثوری تصور کرد که امروز در دست نیست. برای آنکه مطالب را مختصر کرده و به شکلی درآوردند که مردم بتوانند به حافظه بسپارند متوسل به شعر می‌شدند... بسا از فصول گاتها بدون آغاز و بی‌انجام به نظر می‌رسد. بسیاری از جاها بریده و ناتمام است. برای آنکه قسمت نثر آن‌که در واقع معنی آن را هم روشن و معلوم می‌ساخت از میان رفت. فقط آنچه شعر بود و بهتر به حافظه سپرده می‌شد به جا ماند.»[۵۴]
- امروز می‌دانیم که سروده‌های اوستا، هزاران سال، شفاهاً به صورت سینه به سینه منتقل می‌شد، تا بعدها به صورت مکتوب درآمد. (این مقدمه را نگه داریم) از سویی دیگر، می‌دانیم که در اوستای کهن، نام خدا به صورت **مَزدا اهورَه** آمده است. اما

---

۵۳. ر.ک: نیکنام، کورش، مقاله «جایگاه وندیداد در فرهنگ وادبیات اوستا».

۵۴. ابراهیم پورداود، گاتها کهن‌ترین بخش اوستا، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۸، ص ۸۲.

بعدها (در اوستای جدید و نیز در زبان مردم)، این نام به **اهورامزدا** و بعداً به **اهورامَزد** و **هورمَزد** و **هُرمَزد** و بعد به **هُرمُز** تغییر شکل پیدا کرد. روشن است که نام اهورامزدا بسیار پرکاربردتر و محبوب‌تر از سروده‌های گاتهایی بوده است. حال که ذهن مردمان و حتی رهبران دینی زرتشتی نتوانست نام خداوند را به شکل اصیل و درست حفظ کند، چگونه می‌توان باور کرد اشعاری که برای مردم قابل‌فهم نبود، در طول چندین هزار سال در سینهٔ مردم دست نخورده باقی بماند؟! نتیجه می‌گیریم که ذهن مردمان و رهبران دینی توان حفظ و نگه‌داری درست گاتها را نداشتند.

- استاد پورداود که پژوهش‌های ایشان برای جامعهٔ زرتشتیان، گنجینه‌ای بزرگ محسوب می‌شود، می‌گوید که طبق اسناد تاریخی، اشعار زرتشت که منبع مذهبی زرتشتیان بوده، دو میلیون (مصرع یا عبارت) شعر بوده است.[۵۵] روشن است که امروزه حجم گاتها کمتر از ۱ درصد این میزان است.
- دیگر دلیل بر تحریف گاتها کاستی یک قسمت از هات ٤٦ گاتها، بند ۱۵ است. اوستاشناسان معتقدند که بخشی از متن این قسمت از بین رفته است (چون وزن آن ناقص است که نشان می‌دهد عبارتی از آن حذف شده است.[۵٦]
- دیگر دلیل بر تحریف گاتها، سخن کتاب پهلوی «شایست نشایست» است. در این کتاب که توسط پیشوایان زرتشتی در اواخر عصر ساسانیان نوشته شده است، آمده که گاتها ۲۷۸ بند و ۱۰۱٦ بیت است.[۵۷] در حالی که گاتهای امروزی ۲۳۸ قطعه و ۸۹٦ بیت است.[۵۸] این امر نشان می‌دهد که اوستای کنونی حداقل چهل بند و همچنین ۱۳۰ بیت کمتر از گاتهای ساسانیان دارد؛ از سویی دیگر، طبق اسناد تاریخی، گاتها در زمان ساسانیان، ۲۲ بخش داشت که امروز فقط ۱۷ بخش دارد.[۵۹] البته بیان شد که

---

۵۵. ابراهیم پورداود، گاتها کهن‌ترین بخش اوستا، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۸، ص ۷۰-۸۲-۸٤.

۵٦. ابراهیم پورداود، همان، ص ٤۱۱-۵۳۰، جلیل دوستخواه، اوستا، تهران: نشر مروارید، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۵۷.

57. The Supplementary Text to the Shayast neshayest, Firoze m.p Kotwal, Denmark, Kopenhagen, 1969, p 40.

۵۸. ابراهیم پورداود، همان، ص ۸۲.

۵۹. ابراهیم پورداود، همان، ص ٤۰٤.

گاتهایی که در عصر ساسانی به عنوان بخشی از یسنا نوشته شد بسیار کمتر و کوچکتر از متن اصلی بود.

- اوستاشناسان معتقدند که نام‌گذاریِ بخش‌های گاتها بر اساس عبارت‌های آغازین هر گات صورت می‌گرفت. لذا نخستین بخشِ گاتها مشهور است به اَهونَوَیتی. یعنی گاتهایی که با عبارت «اَهونَ» شروع می‌شود. اما جالب است بدانیم که گاتهای امروزی با این عبارت آغاز نشده، بلکه دعای اهونَ بیرون از گاتها قرار دارد. لیکن روزگاری جزوی از گاتها بود.[۶۰]
- همچنین بخشی از یسنا موسوم به هَپتَین هایتی (هفت پاره) نیز دیرزمانی جزوی از گاتها بود که امروز بیرون از گاتها قرار دارد.[۶۱] دعای اَیریما ایشیو (Airyema ishyo) نیز به همین صورت، جزو گاتها بود که امروز خارج از گاتها قرار دارد.[۶۲] دعای «ینگهه هاتام»[۶۳] نیز به همین صورت.[۶۴]
- در این میان موارد متعدد دیگر نیز وجود دارد که برای اطلاع بیشتر می‌توانید به کتاب «نگاهی نو به دیرینگی اوستا» بنگرید.

زیاده در گاتها

علاوه بر نقصان، گاتها دچار زیاده و اضافاتی نیز شده است:
برای نمونه، در بند ۷ از هات ٤٨، واژه پَئیتی paiti دو بار آمده، که یکی در وزن شعر اضافه است،[۶۵] همچنین در هات ٤٤، بند ۹ واژه yaosh دوبار آمده که یکی اضافه است.[۶۶] وقتی عبارات و یا واژگانی در متن گاتها دچار زیاده و نقصان شد، هر آینه ممکن است عبارات یا اشعاری به طور کلی وارد گاتها شده باشد که به دلیل همسانی در وزن، برای اوستاشناسان

---

٦٠. ابراهیم پورداود، همان، ص ٨٤-٤٠٨، جلیل دوستخواه، همان، ج ١، ص ١٣٩.
٦١. ابراهیم پورداود، همان، ص ٨٥ و ٤١٠.
٦٢. ابراهیم پورداود، همان، ص ١٢٥، گاتها، برگردان دکتر علی اکبر جعفری، ص ٦٨ ، عباس شوشتری مهرین، گاتها سروده‌های زرتشت، تهران، انتشارات فروهر، ١٣٧٩، ص ٢٣٠.
63. yenhe hatam.
٦٤. عباس شوشتری مهرین، همان، ص ٢١٤.
٦٥. ابراهیم پورداود، یادداشت‌های گاتها، تهران، انتشارات اساطیر، ١٣٨١، ص ١٣٤.
٦٦. ابراهیم پورداود، یادداشت‌های گاتها، ص ٢٤٣.

قابل تشخیص نباشد. برخی موارد هم قابل تشخیص است. برای نمونه استاد پورداود از به هم ریختگی وزن برخی اشعارِ گاتها سخن می‌گویند و آن را نشان از اضافه شدن برخی کلمات و عبارات به گاتها می‌دانند.[٦٧] جالب‌تر اینکه ایشان می‌گوید که در متن هات ۲۹ گاتها، عبارتی اضافه است که در اصل عبارتی توضیحی بود و بعدها جزو متن پنداشته شد؛ و این زیاده هنوز هم در متن گاتها موجود است.[٦٨]

آنچه گفته شد تنها مواردی اندك از بسیار است و با در نظر گرفتن این سخنان، روشن می‌گردد که هرآینه اضافه شدن عبارات و مفاهیم بیگانه به متن گاتها نه فقط محتمل، بلکه یقینی است.

اختلاف نسخه در گاتها

مسئله بعدی پیرامون اختلاف نسخه در گاتها است. زیاده و نقصان در گاتها باعث شده که اختلافات فراوانی بین نسخه‌های قدیمی و جدید پیش آید. برای نمونه در هات ۳۲، بند ١٤، واژه ahoithoi که در نسخه‌های گوناگون به صورت‌های مختلفي نوشته و خوانده‌شده است. همچنین در هات ۳۳ گاتها، بند ۱۰، واژه vispaw-stoi، به گونه دیگری نیز نوشته شده است که در تلفظ و املا تفاوت دارد. در هات ۳۳، بند ۱۲، در نسخه‌های مختلف واژه feseratu به گونه‌ای دیگر با تغییر املاء و تلفظ نوشته شد. در هات ٣٤، بند ٤، املای واژه asistem در نسخه‌های دیگر، به گونه‌ای متفاوت نوشته شده است که در تلفظ فرق دارد.[٦٩] در بند ١٤ از هات ٣٤ در نوشتن و تلفظ واژه یا واژگانی اختلاف نسخه وجود دارد و در بند ۳ از هات ٤٣، در نوشتن و تلفظ واژه chichithwa همینطور. در هات ٤٤، بند ٤، در نوشتن، تلفظ و حتی معنی واژهای اختلاف و اشتباهاتی وجود دارد. و در بند ۹ از هات ٤٤ نیز در نوشتن واژه orvaxsant اختلاف هست. همچنین پاره‌ای از پژوهشگران زرتشتی و حتی خاورشناسان چنین اظهار نظر کرده‌اند که چون در هات بیست‌ونهم از رهبري زرتشت سخن گفته می‌شود باید آن را نخستین بخش گاتاها دانست و بر همین اساس هات بیست‌ونهم را در صدر گاتها قرار داده‌اند نه هات بیست‌وهشتم را... و البته برخی نیز با این

---

٦٧. ابراهیم پورداود، یادداشت‌های گاتها، ص ۲۵۲-۳۰۳-۵۸۷-٤١٢ و...

٦٨. ابراهیم پورداود، یادداشت‌های گاتها، ص ۲۸.

٦٩. ابراهیم پورداود، یادداشت‌های گاتها، ص ١٦٥-١٨٢-١٨٦-١٩٢-٢٠٥-٢٠٩-٢٣٢-٢٤٣ و...

نظر مخالف هستند.[۷۰] همچنین پروفسور شوشتری در ترجمه گاتها، هات بیست‌ونهم را آغاز گاتها قرار داد.[۷۱] دینشاه جی ایرانی از پژوهشگران زرتشتی هندوستان در نسخه پژوهشی گاتهای خود، هات بیست‌ونهم را ابتدای گاتها قرار داده است؛ و هات بیست‌وهشتم را پس از آن قرار داده است.[۷۲] این اختلاف نظر موجب پیدا شدن اختلاف نسخه شده است.

گاتها ربطی به زرتشت ندارد

همان‌گونه که روشن است گاتها به شدت مورد حذف و اضافه قرار گرفته است؛ یعنی تنها بخش اندکی از آن باقی مانده، همین مقدار نیز دچار اضافاتی شده است. از طرف دیگر روشن است که مکتوب کنندگان آن‌کسانی نبودند جز افرادی که امروزه موبدان نیز آنان را به عنوان افرادی راست‌گو و پاک دست قبول ندارند. (بحث وندیداد و دیدگاه موبد کورش نیکنام پیرامون مغانی که در لباس دین زرتشتی به این دین خیانت کردند را می‌توانید در کتاب "نگاهی نو به دیرینگی اوستا" مطالعه کنید.)

اما رهبران زرتشتی‌گری در روزگار کنونی اصرار دارند که بگویند گاتها سروده‌های زرتشت است. گرچه آنان هیچ دلیلی برای انتساب گاتاها به زرتشت ندارند و هیچ‌گاه نتوانستند از مسیر عقلی و تاریخی اعتبار گاتها را اثبات نمایند. گاهی دیده می‌شود که سخنان برخی از اوستاشناسان را ملاک خود قرار داده و مدعی انتساب گاتها به زرشت می‌شوند. در حالی که بیشتر اوستاشناسان جهان هیچ‌گاه مدعی انتساب گاتها به زرتشت نشده‌اند و این متن را صرفاً به عنوان یک «متن کهن» پذیرفته‌اند. جالب اینکه برخی از اوستاشناسان نیز ادعای موبدان زرتشتی (پیرامون انتساب گاتها به زرتشت) را به عنوان «یک باور دینی» مورد پذیرش غیر یقینی قرار داده‌اند، نه به عنوان یک موضوع ثابت تاریخی. در ادامه به بررسی نقطه نظرات می‌پردازیم.

---

۷۰. آبتین ساسان‌فر، گاتها سروده‌های آسمانی زرتشت، تهران: انتشارات بهجت، ۱۳۹۰، ص ٥٦.

۷۱. عباس شوشتری مهرین، گاتها سروده‌های زرتشت، تهران، انتشارات فروهر، ۱۳۷۹، ص ۲۵-۲٦.

72 .The Gathas The Hymns of Zarathushtra, yasna 29, Dinshah. J. Iran.

آدولف گرانتوسکی از پژوهشگران ایران باستان می‌نویسد: «پس از زرتشت پیروانش بسیاری از سنت‌های خشک پیش از پیدایش پیامبر را با تعصب دنبال کردند و به باورهای کهن و پس‌افتاده آریائی‌ها گرایش یافتند؛ دوباره به پرستش خدایان قدیمی از قبیل میترا، آناهیتا و غیره پرداختند. قسمتی از سرودهایی که مضمون آن‌ها ستایش این خدایان است در اوستا وارد شد، در اینجا به گونه جعلی این ادعیه را به پیامبر نسبت داده‌اند. مضمون این‌گونه ستایش‌ها حتی در گاتهای قدیمی نیز وجود دارد.»[۷۳]

پروفسور شوشتری که بخش عظیمی از عمر خود را صرف پژوهش‌های اوستایی کرد، این چنین بر تحریف و غیر اصیل بودن گاتها صحه می‌گذارد: «شکی نیست که عبارات سرودهای گاتها از اصل فرق کرده و چنان‌که گوینده گفته به ما نرسیده. چه الفاظ و چه سیلاب کم‌وبیش شده‌اند. برعکس سرودهای ریگ ویدا که سالم‌تر مانده‌اند؛ زیرا هندوان سخت مقید بوده‌اند و احتیاط می‌کردند که دست به ترکیب الفاظ یا عبارات نزنند و از خود لفظی کم یا بیش نکنند و از اصل دور نگردند.»[۷٤]

با بررسی پژوهش‌های اوستاشناسان بزرگ جهان، در می‌یابیم که هیچ‌یک از آنان از جمله فردریش اشپیگل[۷۵]، اوژن بورنوف[۷٦]، ویلهلم گیگر[۷۷]، کارل فریدریش گلدنر[۷۸]، جیمز دارمستتر[۷۹]، هانس رایخلت[۸۰]، هلموت هومباخ[۸۱]، فردریک کارل آندرآس[۸۲]، ژاکوب واکرناگل[۸۳]، پاول هورن[۸٤]، ژان کلنز[۸۵] و پرودز اکتور شروو[۸٦] که در زمینه اوستا از قرن هجدهم میلادی تاکنون تحقیق کرده‌اند، دلیلی برای انتساب گاتها به زرتشت (منهای سایر بخش‌های اوستا)

---

۷۳. ادوین گرانتویسکي، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزي، تهران، انتشارات پویش، ۱۳۵۹، ص ٦۵.

۷٤. عباس شوشتری مهرین، گاتها سروده‌های زرتشت، تهران، انتشارات فروهر، ۱۳۷۹، ص ۲۲۸-۲۲۹.

75 .Friedrich Spiegel.
76 .Eugene Burnouf.
77 .Wilhelm Geiger.
78 .Karl Friedrich Geldner.
79 .James Darmesteter.
80 .Hans Reichelt.
81 .Helmut Humbach.
82 .Friedrich Carl Andreas.
83 .Jacob Wackernagel.
84 .paul Horn.
85 .Jean Kellens.
86 .Prods Oktor Skjaervo.

ارائه نداده‌اند. بسیاری از آن‌ها نیز گاتها را فقط به عنوان متنی کهن در نظر می‌گرفتند. ی گذشتند. در هر صورت این پژوهشگران هیچ دلیل علمی و عقلی برای انتساب گاتها به زرتشت نیافتند؛ البته در این میان بودند کسانی همچون ریچاردسون که انتساب کل اوستا به زرتشت را مورد تردید قرار دادند و از نبود دلیل برای این انتساب خبر دادند. در عصر کنونی نیز دانشمندان بزرگی چون **پرادز اکتور شروو**، استاد زبان‌های باستانی ایرانی در دانشگاه هاروارد و همچنین پروفسور **ژان کلنز** و بسیاری دیگر، انتساب گاتها به زرتشت را رد می‌کنند. ژان کلنز استاد بلژیکی زبان‌ها و دین‌های هندو ایرانی در کلژ دو فرانس پاریس و یکی از نامدارترین پژوهشگران اوستا و گاتها در جهان که بیش از چهل سال در حوزه اوستاشناسی پژوهش می‌کنند و تاکنون حدود ۱۳۰ کتاب و مقاله از ایشان در معتبرترین منابع اوستاشناسی منتشر شده است. او در کتاب «مقالاتی درباره زرتشت و دین زرتشتی» رسماً اعلام کردند که زرتشت، خالق و نویسنده گاتها نیست بلکه سرایش گاتها کار یک گروه دینی بوده است. در گاتها نام او همواره به صورت سوم شخص آمده است. گاتها سرودها و راز و نیازهای یک شخص با خدا نیست، بلکه آن را برای اجرا در مناسک مذهبی سروده بودند. کلنز بر این باور است که مترجمان گاتها به دلیل پی نبردن به مفهوم واژگان دشوار آن، اصطلاحات و معانی آن‌ها را آن‌طور که پیش زمینه‌ای در ذهن خود داشته‌اند، نوشته‌اند تا بتوانند جمله‌ای معنادار به دست آورند.

نقدی بر سخنان موبد خورشیدیان درباره اعتبار گاتها

همانطور که گفته شد، گاتها شدیداً دچار نقصان و ایضاً دچار زیاده و اضافات شده است.از سویی دیگر هیچ دلیلی وجود ندارد که نشان دهد گاتها واقعاً از زبان زرتشت سروده شده باشد. در این میان، موبدان زرتشتی تلاش بسیاری دارند که انتساب گاتها به زرتشت را ثابت کنند. از جمله موبد اردشیر خورشیدیان رئیس انجمن موبدان تهران که برای اثبات این مدعا، شواهدی به غایت ضعیف و ناپخته ارائه کردند که پاسخ‌هایی درخور به سخنان خام ایشان داده شد.[۸۷]

۸۷. مهدی رستمی، نگاهی نو به دیرینگی اوستا، قم: انتشارات تولّی، ۱۳۹۶، ص ۷۹-۹۷.